دوفصلنامه علمی ـ تخصصی مطالعات تطبیقی کلام
سال دواز دهم/ شماره ۱۹ /بهار و تابستان ۱۴۰۱

Tow quaterly scientific – specified Comparative studies of theology
Year۱۲ No.۱۹ , Spring & Summer ۲۰۲۲

عاشورای حسینی(ع) از دیدگاه اهل سنت

□ خان محمد جعفری *

چکیده

بدون شک رویداد عاشورا یک از غمبارترین حادثه ای است که در تاریخ بشر اتفاق افتاده است، از زمان حضرت آدم (ع) تا کنون عاشورا تلخ ترین واقعه ای است که بعنوان لکه سیاه در آئینه تاریخ ثبت شده است.

عده فکر می کنند که حادثه عاشورا فقط برای شیعیان تلخ و ناگوار است اما بقیه مذاهب از حادثه عاشورا متأثر نیست بنده در این نوشتار ثابت کردم که تمامی مذاهب اربعه اهل سنت تلخی حوادث عاشورا را با جان و دل لمس کرده اند و از عوامل پدید آورنده چنین حادثه دل خراش بیزاری می جویند.

موسسان مذاهب اهل سنت، اندشمندان و متفکران روشن ضمیر مذاهب اربعه در هر فرصت که پیش آمده زبان به نقد گشوده اند و بر مظلومیت اهلبیت پیامبر(ص) آه و ناله سرداده اند و نفرت و بیزاری خود را از یزید، عبید الله بن زیاد و .... به روشنی تمام اعلام نموده اند.

اگر منابع معتبر اهل سنت را مورد مطالعه قرار دهیم در خواهم یافت که اندیشمندان اهل سنت به تبع آن مردم عادی اهل سنت بر حقانیت امام حسین(ع) مهر تأیید زده اند و در روز عاشورا با برادران اهل تشیع همنوائی می کنند، در بسیاری از مناطق اهل سنت در روز عاشورا ضمن اعلام انزجار از جنایت یزید برخاندان نبوت، به پخش نذورات می پردازند، بنا بر این مطابق روایات که منابع اهل سنت وجود دارد عاشورا مهم ترین نقطه وصل مذهب تشیع با مذاهب اربعه اهل سنت شمرده می شود .

آری فقط فرقه ضاله و گمراه وهابیت حرکت امام حسین (ع) را خروج بر خلیفه وقت می-پندارند لذا امام حسین(ع) را مستحق چنان جفا میدانند ولی تاریخ گواهی میدهد فرقی سلفی و

---

* طلبه جامعة المصطفی العالمیة

وهابی جز مذاهب اهل سنت حساب نمی شود بلکه این گروه به هدف ایجاد انشقاق در میان فرق اسلامی و نابودی اسلام ناب محمدی پایه ریزی شده است و بودجه-های بسیاری برای سامان بخشیدن این گروه منافق اختصاص داده شده است و امروزه این فرقه گمراه بزرگترین مشکل را فرا روی مسلمانان قرار داده است و انتحار و انفجارهای خونین در دنیا فعالیت این گروه تکفیری است تا چهره نورانی اسلامی را لکه دار کند.

کلید واژه: امام حسین(ع)، اهل سنت، عاشورا، روایات، مودة.

مقدمه

علما ، متفکران و مردم عادی اهل تشیع نسبت به خاندان نبوت مودت و محبت زاید الوصف دارند به همین دلیل حادثه غمبار سال ٦١ هجری قمری را که اهلبیت پیامبر (ص) مورد ظلم و ستم های شرم آور قرار گرفت، همواره گرامی میدارند.

اما مذاهب اهل سنت به دو گروه معتدل و افراطی تقسیم می شوند، گروه معتدل :

اهل سنت که اکثریت را هم دارند مثل شیعه نسبت به خاندان پیامبر(ص) ارادت دارند و قبول دارند که امام حسین(ع) سرورجوانان اهل بهشت است به همین دلیل هرگونه کوتاهی در حق نوه پیامبرگرامی اسلام(ص) را بر نمی تابند ؛ لذا نهضت امام حسین(ع) را قیام بر حق میدانند و در فضای مملو از فساد حکومت آن زمان، چنین حرکت اصلاحی را لازم و ضروری می پندارند و بر کسانی بر اهلبیت امام حسین(ع) را در روز عاشورا ظلم و جفا کردند. لعن و نفرین نثار می کنند. گروه اندک به نام وهابیت و تکفیریها صف خود را جدا کردند و امام حسین(ع) طاغی حساب می کنند و رفتار یزید را می پسندند. در حال که نه تنها مسلمانان واقعی عالم بلکه همه موحدان دنیا و حتی غیر موحدان دنیا مانند گاندی و ... امام حسین(ع) را منادی عدالت و ازادی میدانند و از قیام امام حسین(ع) بعنوان حرکت عدالت خواهانه استقبال می کند و مبارزات خود را الهام گرفته از قیام و نهضت امام حسین(ع) در برابر حاکمان مفسد وظالم ، میداند. بسیاری از آزادی خواهان عالم رفتار امام حسین(ع) را سرمشق و الگوی خود میدانند و موفقیت های خود را مرهون فداکاری و ایثار آن امام همام میدانند براستی که چراغی را که امام حسین(ع) روشن کرده است برای همیشه روشنی بخش راه های پرپیچ و خم زندگی انسا های آزادی خواه جهان خواهد بود ، امام حسین(ع) با خون خود درخت عدالتخواهی را آبیاری کرد.

قیام و نهضت حسینی و حادثه غمبار عاشورا در آیینه تاریخ جلوه و درخشش بی نظیر دارد به

گونه که هر انسان روشن ضمیر با شنیدن آن به تأمل و تفکر فرو می رود.

اندیشمندان موحد و غیر موحد ضمن تأید آن حرکت انسان ساز، درسهای عملی و علمی فراوان را از آن آموختند.

این مقال در پی آن است که روشن سازد که عاشورا در اندیشه اهل سنت چه جایگاهی دارد؟ آیا مذاهب و اندیشمندان اهل سنت نهضت عاشورای به حسین بن علی(ع) را به عنوان حرکت اسلامی، انسانی و نجاتبخش قبول دارد؟ آیا اهل سنت قیام حسینی را حق می پندارند؟ مطالب این نوشته را در قالب دو گفتار پی میگریم:

گفتار اول: جایگاه امام حسین(ع) در نزد اهل سنت :

بدون شک بزرگان و اندیشمندان ژرف نگر اهل سنت همواره برای امام حسین(ع) بعنوان نوه و عضوی مهم اهلبیت پیامبر(ص) جایگاه ویژه را در نظر دارد و در لابلای منابع، اصلی، تاریخی ، اعتقادی و کلامشان، ستایشی بی حد و حصار موج می زند بنده در این گفتار به نقل احادیث و روایاتی در مورد مقام امام حسین(ع) در منابع دست اول اهل سنت می پردازم:

۱. اسامه بن زید گفت : شبی به منظور حاجتی نزد سول الله (ص) رفتم، آن حضرت در حال که چیزی را با خود داشت برون رفت؛ چون از حاجتی خود فارغ شدم گفتم : این چه چیزی است که شما با خود گرفته اید ؟ ایشان آن را گشود و دیدم که حسن و حسین در کنار ایشان بودند حضرت فرمود: این ها پسران من و پسران دختر من هستند بار خدایا من ایشان را دوست دارم تو هم دوست بدار و ایشان و هر کسی که ایشان را دوست دارد نیز دوست بدار (ترمزی جلد٤، ص ٤٩٦، ح ٣٧٦٩)

۲. در سنن نسائی با کمی اختلاف اینگونه روایت کرده است. این دو پسران من و پسران دوخترمن هستند خداوندا تو میدانی که من این دو را دوست میدارم پس تو نیز آنها را دوست بدار (نسائی، کتاب الخصایص، ج٥، ص ١٤٩، ح ٨٥٢٤)

۳. انس ابن مالک نیز می گوید: از رسول خدا پرسیده شد که کدام یک از هلبیت شما نزد شما محبوب تر هستند؟ فرمود: حسن و حسین، ایشان به فاطمه (س) فرمود: پسران مرا به نزد من بیاور آنگاه آندو را می بوئید و در آغوش میگرفت(ترمذی، سنن، ج٤، ص ٤٩٧، ح ٣٧٧٢)

٤. هم چنین از حضرت فاطمه(س) روایت شده است که رسول خدا(ص) روزی نزد ایشان آمد و فرمود: فرزندان من کجایند؟ حضرت فاطمه(س) عرض کرد با علی (ع) بیرون رفته اند رسول خدا(ص) نگاهی کرد و دید که اندو در حال بازی هستند؛ پس به حضرت علی(ع) فرمود: یا علی! آیا فرزندان مرا پیش از گرم شدن هوا باز نمی گردانی(حاکم، معرفة الصحابه ، ج ۳، ص ۳۷۵، ح ٤٨٣٥)

٥. زمخشری یکی از علماء مشهور اهل سنت در ذیل آیه:

قل لا اسئلکم علیه اجرا الاّ المودة فی القربی(شوری، ۳۳)، به مسلمانان بگو که من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم در خواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیت)

میفرماید: از رسول خدا پرسیده شد که این اقارب و اهل بیت شما کیست که محبت آنها بر ما واجب شده است؟ رسول خدا(ص) فرمود: آنها علی، فاطمه و دو پسر آنها هستند! (زمخشری، ج٤، ص ۲۳۲).

٦. ابن حبان در صحیح خود آورده است که پیامبر خدا(ص): قسم به کسی که جان من در دست اوست که کسی با ما اهلبیت دشمنی نمی کند مگر اینکه خداوند او را وارد جهنم کند(ابن حبان، صحیح، ج ۱۵، ص ٤۳٥، ح ٦٥٧٨)

آلوسی از این حدیث گهربار به این نتیجه رسیده است که محبت و دوستی با اهلبیت بر تمام مسلمانان فرض و واجب است(آلوسی، روح المعانی، ج۲٥، ص ۳۲)

۷. امام شافعی که یکی از بنیانگذاران مذاهب فقهی اهل بیت است آن قدر نسبت به اهلبیت پیامبر(ص) احترام داشت و محبت به آنها را فرض و واجب می دانست که در این مورد شعر زیبا سروده است: یا اهل بیت رسول الله حبکم فرض من الله فی القران انزله کفاکم من عظیم الفخر انکم من لم یصل علیکم لاصلوة له؛(هیثمی الصواعق، ص١٤٨)

شافعی در این شعر میگوید: ای اهل بیت رسول خدا محبت و دوستی شما از طرف خداوند فرض و واجب شده است و این مقام بلند برای شما کافی است که اگر کسی در نماز بر شما درود نفرستد نمازش نماز نیست، امام حسین(ع) که قیام و نهضتش در تاریخ جلوه گری می کند جزء و رکن اهلبیت (ع) به حساب می آید.

۸. عبدالله ابن مسعود از پیامبر(ص) پیامبر(ص) نقل می کند: ابنائی الحسن و الحسین سیدی الشباب اهل الجنه(عسقلانی، بلاذری، ح۲، ص ۷) دو پسرم حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت اند.

۹. عایشه می گوید : در صبحگاهی پیامبر(ص) از خانه بیرون رفت در حالی که یک عبائی از موی سیاه بافته شده برتن داشتند در این هنگام امام حسن(ع) آمد پیامبر(ص) او را داخل عبا قرار داد و سپس امام حسین(ع) آمد و او را نیز با برادرش امام حسن(ع) در زیر عبا جای داد انگاه حضرت زهرا(س) آمدند او را نیز داخل عبا قرار داد. سپس حضرت علی(ع) هم به این جمع پیوست در این هنگام پیامبر بزرگوار آیه تطهیر را قرائت کرد: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا(مسلم صحیح، ج۱۵، احزاب ۳۳)

۱۰. زمخشری از علما بزرگ اهل سنت صاحب تفسیر معروف "کشاف" در کتاب (ربیع الابرار) نقل می کند: فاطمه(س) با فرزندانش حسن و حسین(ع) خدمت رسول الله(ص) رسیده و عرض کرد یا رسول الله(ص) هدیه ای به اینها بده حضرت فرمود : پدرت فدایت من مالی ندارم تا هدیه کنم سپس حسن(ع) را بغل کرده بوسید و روی پای راست خود قرار داد و فرمود: به این فرزندم اخلاق و هیبت خود را هدیه می کنم و حسین(ع) را نیز بغل کرد و بوسید و برروی پای چپ خود بنهاد و فرمود: شجاعت وجود خود را بدو بخشیدم .(زمخشری، ربیع الابرار، ص ۵۱۳)

۱۱. ابوهریره از راویان بنام اهل سنت می گوید: رسول خدا(ص) را دیدم که حسین بن علی(ع) را در بغل گرفته و می فرمود: خدایا! او را دو ست می دارم تو هم او را دوست بدار(حاکم- مستدرک ، ج۳، ص ۱۷۷)

۱۲. قاضی نور الله شوشتری در کتاب احقاق الحق می نویسد: ابوالموید موفق بن احمد از علما بزرگ اهل سنت در مقتل الحسین از راویان مختلف و آنها از ابوبکر نقل می کنند که پیامبر (ص) فرمود: حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند.(احقاق الحق، ج۱۰، ص ۷۰۸)

۱۳. حافظ ابونعیم اصفهانی از علما بزرگ اهل سنت درکتاب حلیة الاولیا نقل می کند که او با سلسله راویان مختلف از جمله عمربن خطاب روایت می کند که پیامبر(ص) فرمود: حسن و حسین(ع) سرور جوانان اهل بهشت هستند(حافظ، ج ٤، ص ۱۳۹)

١٤. احمد بن حنبل در مسند خود به نقل از راویان متعدد می نویسد: پیامبر(ص) حسن و حسین را به سینه خود می چسپاند و می فرمود: خدایا من این دو را دوست دارم تو نیز آنها را دوست بدار(احمد بن حنبل ، ج۵، ص ٣٦٩)

۱۵. از عایشه نقل شده است که گفت: حسین(ع) در حالیکه به پیامبر(ص) وحی نازل می شد به محضر وی امده و خود را روی او انداخت و از پشت او بالا رفت جبرئیل گفت: یا رسول

الله(ص) او را دوست می داری؟ فرمود: چرا پسرم را دوست نداشته باشم جبریل گفت : به او خبر داده و گفت: در این سر زمین این پسر تو کشته می شود و اسم این سرزمین طف است و چون جبرئیل از نزد پیامبر(ص) رفت پیامبر(ص) از خانه خارج شد و در حالکه آن خاک را بدست گرفته بود و می گریست و به عایشه فرمود: جبرئیل به من خبرداد امتم پس از من فریب خورده و پسرم حسین را در سر زمین طف خواهند کشت سپس در حالکه گریه می کرد به طرف اصحاب خود که در میان آنها علی(ع) ابوبکر، عمر، خدیجه، عمار و ابوذر بودند رفت آنها عرض کردند یا رسول الله(ص) چرا گریه می کنید؟ فرمود: جبرئیل به من خبر داد پسرم حسین بعد از من در سرزمین طف به شهادت می رسد و این خاک را به من داده و گفت: در همانجا به خاک سپرده خواهد شد.(داود الهامی، ج۹، ص ۱۸۷) این نقل قول از عایشه که در منابع معتبر اهل سنت آمده است؛ بیانگر این حقیقت است که امام حسین(ع) در نزد اهل سنت از اعتبار بلندی برخوردار است.

۱۶. ابن کثیر از علماء شناخته شده مذهب شافعی در کتاب البدایه و النهایه در باره مقام امام حسین(ع) چنین می نویسند: پیامبر(ص) حسن و حسین را گرامی می داشت و به آنها محبت زاید الوصفی میکرد لذا حسین(ع) از صحابه پیامبر(ص) به شمار می رود و با آن حضرت تا دم مرگ آن حضرت محشور و مصاحب بوده حضرت رسول نیز از او رضایت کامل داشته اگر چه حسین (ع) در سنین کودکی بود.(ابن کثیر، ج٤، ص ١٤٢)

۱۷. ابن کثیر می نویسند بخاری از ابونعیم نقل می کند که از عبدالله بن عمر شنیدم که در جواب کسی که از او درباره کشتن مگس درماه محرم پرسیده بود گفته است : مردم درباره کشتن مگس سوال می-کنند در حالکه پسر دختر رسول الله را گشته اند و از او می-پرسند و حال آن که پیامبر(ص) در باره حسن و حسین(ع) فرموده است: آنها گل های خوشبوی من در دنیا هستند(ابن کثیر، ج٤، ص ١٤٢)

۱۸. از رسول خد روایت شده است که فرمود: من احب الحسن و الحسین فقه احبنی و من البغضهما فقد ابغضنی، کسی که حسن و حسین را دوست داشته باشد در حقیقت مرا دوست دارد و هر که با آنها دشمنی کند در حقیقت با من دشمنی کرده است.(ابن ماجه، ج۱، ص ۱۵)

۱۹. ابن تیمیه می گوید: هر کس که حسین(ع) را به قتل رسانده یا در قتل ایشان کمکی کرده است یا به این اقدام راضی بوده است. لعنت خدا وملائکه و همه انسان ها براو باد (این تیمیه، ص ٤٤٨٨)

۲۰. انس بن مالک می گوید: فرشته باران نزد رسول اکرم(ص) آمد و از ایشان اجازه ملاقات خواست حضرت اجازه داد رسول اکرم(ص) به ام سلمه فرمود: مراقب باش نگذار کسی وارد خانه شود ناگهان حسین آمد و می خواست داخل خانه پیامبر(ص) شود؛ من جلو او را گرفتم ولی او به زور وارد خانه شد، گاه بردوش و بپشت آن حضرت می نشست و گاه گرد او را می گرفت فرشته باران به حضرت عرض کرد: آیا این کودک را دوست داری ؟ فرمود: بله فرشته آسمانی گفت: امت تو به زودی او را خواهند کشت اگر می خواهی جایگاه شهادت او را به شما نشان دهم؟ ناگهان مقداری خاک قرمز را به پیامبر(ص) نشان داد ام سلمه می گوید من آن تربت را گرفتم و آن را در پارچه ای قرار دادم.۰ (ابن کثیر، ج٦، ص ٢٣٦)

۲۱. شافعی پیشوائی یکی از مذاهب اربعه اهل سنت که علاقه وارادت بسیاری به اهل بیت (ع) دارد در باره امام حسین (ع) و حادثه عاشورا، اشعار زیبایی سروده است که بنحوی بر عظمت و بزرگی حضرت سید الشهدا گواهی داده است اکنون ترجمه برخی ابیات آن را در اینجا تقدیم میدارم.

این حادثه از حوادثی است که خواب مرا ربوده است و موی مرا سپید کرده است. دل و دیده مرا به خود مشغول ساخته و مرا اندوهگین کرده است و اشک چشمم جاری و خواب از آن پریده است، دنیا از این حادثه خاندان پیامبر(ص) متزلزل شده و قامت کوه ها از ذوآن خم شده است . آیا کسی هست که ا ز من به حسین پیامی برساند اگرچه دل ها آن را ناخوش دارند؟ حسین کشته ای است بدون جرم و گناه که پیراهنش به خونش رنگین شده است، عجب از ما مردم آن است که از یک طرف ، به آل پیامبر(ص) دورد می فرستیم و از سوی دیگر فرزندان او را به قتل می رسانیم و اذیت می کنیم ! اگر گناه من دوستی اهل بیت پیامبر(ص) است از این گناه هرگز توبه نخواهم کرد. اهل بیت پیامبر(ص) در روز محشر شفیعان من هستند و اگر نسبت به آنها بغضی داشته باشم گناه نابخشودنی کرده-ام. (ناصری، ج۹، ص ۲۹۸)

۲۲. بدون شک امام حسین (ع) فرزند سول خدا (ص) یکی از سروران جوانان اهل بهشت و از اهل بیت پیامبر(ص) می باشد. (ابن حبان ، ج۱۵، ص ٤١٢)

۲۳. محبت و دوستی اهل بیت با آیه مودت بر همه مسلمین واجب گردیده است وقتی آیه مودت «قل لأاسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی و من یقترف حسنة نزد له فیها حسنا ان الله غفود شکور؛ (شوری، ۳۳) نازل گردید از رسول خدا سوال شد ذو القربی چه کسانی هستند؟ فرمود: علی، فاطمه، و دو فرزند او حسن و حسین(ع) (زمخشری، کشاف، ج٤، ص ٢٣٢٣)

۲٤. احادیثی فراوان دیگری از اهل سنت نقل شده است که بر محبت و دوستی با اهل بیت تاکید دارند یکی از این روایات که مشتمل بر جملات متعددی است با جمله« من مات علی حب آل محمد مات شهید» آغاز می گردد و به جمله «الا و من مات علی بغض آل محمد مات کافرا و من مات علی بغضهم لم یشم رائحة الجنة به پایان می رسد. (زمخشری ، کشاف، ۲۲/٤)

۲۵. از زبان ام سلمه همسر پیامبر(ص) نقل شده است که زمانی که زمانی آیه« انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا » (احزاب، ۳۳) در خانه من بر پیامبر(ص) نازل گردید پیامبر(ص) علی، فاطمه، حسن و حسین را در زیر کیسا جمع کردند و فرمودند : اللهم هؤلاء اهل بیتی » ام سلمه می گوید من عرض کردم آیا من از اهل بیت نیستم؟ فرمودند: تو اهل منی و با خیر هستی و اینها اهلبیت من هستند.(نیشابوری، المستدرک، ۳/٤٥۱) مفسر معروف اهل سنت فخررازی می گوید: صحت این روایت بین اهل تفسیر و حدیث متفق علیه می باشد. (فخررازی ، ج۸، ص ۷۱)

با دقت در منابع معتبر اهل سنت و کتب تفسیری آنها بوضوح بدست می آید که اهل بیت پیامبر (ص) بویژه امام حسین(ع) در نزد اهل سنت از مقام و موقعیت والا و بلندی برخوردارند، همه اندیشمندان و متفکران بلکه موسسان مذاهب اربعه اهل سنت مانند شافعی، ابوحنیفه، مالکی، احمد بن حنبل برای اهلبیت پیامبر(ص) و امام حسین(ع) عظمت ویژه قائیل اند به تبع این متفکران اهل سنت، مردم عامه مذاهب اربعه هم برای امام حسین(ع) جایگاه عالی و بزرگ را قایل اند و روایات که از پیامبر(ص) در مورد مودت و محبت با اهل بیت وارد شده است را قبول دارند.

گفتار دوم: قیام و نهضت حسینی در نزد اهل سنت:

درگفتار اول ثابت گردید که امام حسین(ع) بعنوان جز اهلبیت پیامبر(ص) مورد احترام مذاهب اربعه اهل سنت می باشد.

در این گفتار به این بحث پرداخته می شود که عاشورا در میان اهل سنت چه موقعیت دارد با تمام این روایات و مطالبی که از طریق اهل سنت درباره اهلبیت و به خصوص امام حسین(ع) مبنی بر مقام و جایگاه او نزد رسول خدا(ص) و محبت و دوستی آن حضرت و وجوب این محبت بر امت اسلامی نقل شده است وقتی به صفحات تاریخ مراجعه شود مشاهد می-شود که

بیشترین و بدترین ظلم بر اهل بیت رسول خدا روا داشته شده است از میان این ظلمها ظلمی که از طرف یزید بن معاویه بر فرزند رسول خدا حضرت امام حسین(ع) انجام گرفت، در تاریخ بشریت نظیر آن وجود ندارد و در آینده هم چنین ظلمی واقع شدنی نخواهد بود! زیرا آنها که خود را مسلمان می-دانستند واز امت رسول خدا به شمار می آمدند به نام اسلام، فرزند و پسر پیامبر خودشان را همراه با یاران او به بدترین و بی رحمانه ترین وضع کشتند و زنان، اطفال، خانواده پیامبر(ص) را به نام کافر و طاغی اسیر کرده و در شهرها در منظر مردم گرداندن و درمجالس یزید و عبید الله بن زیاد آنها را از نظر جسمی و روحی مورد اذیت و آزار قرار دادند.

این واقعه تاریخی غیر قابل انکار است که امام حسین(ع) با یاران اندک خود به مظلومانه ترین وجه توسط یزید بن معاویه در راه خدا و حفظ دین اسلام در کربلا و روز عاشورا سال ٦١ هجری به شهادت رسیده و خانواده پاک او که خانواده پیامبر(ص) بود با ظالمانه ترین وجه به اسارت گرفته شدند بنا بر این برای یک مسلمان واقعی و پیرو راستین قرآن و سنت با توجه به آیات و روایات که بر محبت با اهلبیت تاکید دارد کافی است که نسبت به واقعه عاشورا اندوهگین و ماتم زده باشد، بدون شک بی تفاوتی نسبت به آن، دلیل بر بی مبالاتی نسبت به دستور خدا و پیامبر است؛ زیرا ممکن نیست که کسی امام حسین(ع) را به عنوان قربی و اهلبیت پیامبر(ص) دوست داشته باشد اما واقعه عاشورا او را غمگین و ماتم زده نگرداند و نیز ممکن نیست کسی مسلمان باشد. اما قیام امام حسین(ع) را در برابر انحراف و ظلم و دشمنان اسلام به عنوان قیام ناب الهی در قالب مجالس و عزاداری گرامی ندارد.

بنا بر این می توان گفت که اهل سنت واقعی که پیروان مذاهب اربعه اند، معتدل و محب اهل بیت پیامبر(ص) هستند اینها از حادثه ناگوار عاشورا غمگین و ناراضی اند و عوامل آن را مورد نکوهش و گاهی هم مورد لعن و نفرین قرار میدهند. اندیشمندان و متفکران واقعی اهل سنت معتدل قیام امام حسین(ع) را حق پنداشته و از آن به نیکی یاد می کنند.

موضع اهل سنت را می توان در لابلای منابع معتبر و مهم آنها بخوبی دریافت از یک نکته نباید غافل بود که فرقه بنام وهابیت که خود را در میان اهل سنت جا زده اند به دفاع از یزید پرداخته اند وقیام امام حسین(ع) را خروج در برابر خلیفه مسلمین میدانند. اما این فرقه در واقع از فرق اهل سنت به حساب نمی آیند بلکه اینها ساخته و پرداخته ایادی استکبارند تا فتنه و نفاق را در صفوف مسلمانان ایجاد نمایند و در اخر این گفتار مطالبی را در مورد این فرقه ضاله خواهم نوشت اما فعلا با مراجعه به منابع قابل قبول اهل سنت، موضع گیریهای فحول و متفکران ژرف

اندیش اهل سنت را نقل می نمایم تا معلوم شود که تمامی مذاهب اهل سنت در مورد قیام امام حسین(ع) با برادران شیعه هم نظر اند و جنایت ضد بشری یزید و عمال او را نکوهش می نمایند.

علما اهل سنت از پیامبر(ص) روایات فراوان ر مبنی بر شهادت امام حسین(ع) نقل کرده اند:

۱. روزی حسین (ع) در کودکی بر پشت وگردن پیامبر(ص) بازی میکرد که جبرئیل به پیامبر(ص) گفت آیا او را دوست داری؟ رسول خدا فرمود: بلی جبرئیل گفت امت تو او را خواهند کشت و سپس محل شهادت او را به پیامبر(ص) نشان داده و مشتی خاک سرخ رنگ را ازان محل برداشته به ام سمله میدهند.(احمد بن حنبل، ۲۴۲/۳)

۲. هنگام که حسین بن علی کشته شد آفاق آسمان تا چندین ماه رنگ سرخ را بخود گرفته بود و این سرخی آسمان حکایت از گریه آن داشته است(طبری، ۲۵/۱۲۴)

۳. طبرانی نقل می کند که محمد بن حمید جهمی از اولاد ابی جهم در مورد شهادت امام حسین(ع) این شعر را که به زینب دختر عقیل بن ابی طالب منسوب است انشاد کرد: « ما ذا تقولون ان قال الرسول لکم ما ذا فعلتم و انتم آخر الامم؟ باهل بیتی و انصاری و ذریتی منهم اساری و قتلی ضرجو بدم- ماکان ذاک جزائی اذ نصحت لکم ان تخلفونی بسوء فی ذوی رحم.

چه می گوئید اگر رسول خدا(ص) به شما بگوید که به عنوان آخرین امت با اهلبیت و یاران و ذریه من چه کردید؟ برخی از آنها را اسیر و برخی را کشته و به خون آغشته کردید جزای من هنگامی که شما را نصحت کردم این نیست که با خوبان من اینگونه رفتار بد انجام دهید.(طبرانی، ج۳، ص ۱۲۴)

٤. تفتازانی از متکلمین به نام اهل سنت میگوید: ظلمی که بر اهل بیت پیامبر(ص) انجام گرفته نمی توان آن را پنهان کرد زیرا بر این ظلم که در نهایت شقاوت و قساوت بوده جمادات و حیوانات بی زبان شهادت می دهند و نزدیک بود که زمین و آسمان بر آن گریه کنند و کوه ها از جا کنده و صخره ها تکه تکه شوند پس لعنت خداوند بر کسی که این کار را انجام داد یا به آن راضی شد و یا در این جهت کوشید و عذاب آخرت شدیدتر و ماندگارتر است.(تفتازانی، ۲/۳۷)

۵. ابوالحسن اشعری پیشوای مکتب اشاعره می گوید: چون ستم گری یزید از حد گذشت امام حسین(ع) با یاران خود علیه بیداد او قیام و در کربلا به شهادت رسید .(مقالات اسلامین، ص ٤٥)

٦. علامه آلوسی که مرجع و مفتی اهل سنت عراق بود در تفسیر روح المعانی ذیل آیه شریفه «فهم عسیتم ان تولیتم... ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم اولئک الذین لعنهم الله

» (محمد ، ٢٦) از احمد بن حنبل پیشوای مذهب حنابله نقل می کند که پسرش از وی در مورد لعن یزید سوال کرده او جواب گفت: کیف لایلعن من لعنه اللـه فـی کتابـه » چگونـه لعـن نشـود کسی که خداوند او را درکتاب خود لعن کرده است؟ عبدالله پسـر احمـد بـن حنبـل پرسـید مـن کتاب خدا را خوانده ام ولی لعن یزید را ندیدم؟ احمد بن حنبـل در پاسـخ ، آیـه فهـل عسـیتم، را خواند و آنگاه گفت: ایّ فساد و قطیعة رحم اشدّ مما فعله یزید چه فساد و قطع رحمـی از فسـادی که یزید مرتکب آن شده، بالاتر است(مجله بصایر، ش۲۸، به نقل از مقتل الحسین، ص ۳۰)

علامه آلوسی بعد از نقل آن سخنان میگوید : در لعن یزید توقف نیسـت چـون اهـل کبـایر و دارای اوصاف خبیثه بود و بر مردم مدینه ظلـم و تعـدی کـرد و حسـین(ع) را کشـت بـه و اهـل بیت(ع) اهانت کرد.(رسول محلاتی، ، ص ۱۵۲)

۷. مولوی محمد شهذاز حنفی در باره قیام سید الشهیدا (ع) مـی نوسـد: در راه آنچـه آن را حق میدانست جان خود را تسلیم جان آفرین کرد ولی تسلیم باطل نشد با آن که یـار و یـاورانی بـه حد عظیمی نداشت علیه باطل با تمام قدرت و شهامت ایستادگی کرد تا این که به مقـام شـهادت عظمی نائیل آمد>۰ سرور شهیدان امام حسین، ص ٤٤)

۸. مورخ شهیر اهل سنت ابن خلدون: نمی توان گفت: یزید هم در کشتن امام حسـین(ع) اجتهاد کرد پس بی تقصیر است؛ چون صحابه ای که با امـام حسـین(ع) در قیـام شـرکت نکـرده بودند هر گز اجازه قتل حضرت امام حسین(ع) را نداه بودند. این یزید بود که با امـام جنگیـد ایـن عمل یزید نشانه فسق اوست و حسین(ع) در شهادتش مأجور است در حالیکه یزید از عدالت بـه دور بوده و حسین(ع) در برابر یک حاکم ظالم قیام کرده بود.(مقدمه ابن خلدون، ص ٤١٥)

۹. دکتر طه حسین ، ادیب، نویسنده و ناقد معاصر، اهل سـنت معتقـد اسـت: از آنجایکـه حسین از یک سو، مسئول حفظ دین واز سوی دیگر آزاده و قهرمان اسـت، هرگـز در برابـر بیعـت خواهی یزید سرتسلیم فرود نخواهد آورد پس برای رسیدن به هدف خود باید به هرکـاری مشـروع دست می زد بنا براین، برای احتراز و دوری از امر بیعت به کوفه روی آورد و شهادت را بر بیعت بـا یزید که به نوعی تأئید ستم های او بود ترجیح داد.(علی و فرزندانش، ص ٤٥٦)

۱۰. شیخ عبدالله علائی (متوفی ۱۹۹٦) دانشمند و نویسنده اهل سـنت بـا تحلیـل اوضـاع زمان یزید، سکوت را بر هیچ دینداری و آزاده ای جائز نمی داند اما در این میان کسی کـه از همـه بیشتر مسئولیت داشت و در اعتراض به وضع ناهنجار آن عصـر از شایسـتگی بیشـتری برخـوردار بود، امام حسین(ع) بود، قیام امام حسـین(ع) خواسـت همـه مسـلمانان بـوده اسـت. ایـن قیـام

انعکاس و طنین گسترده ای را به جای گذاشت و تا آن«جا پیش رفت که تخت سلطنت امویـان را به لرزه در آورد و سرانجام به نـابودی کشـاند.(برتـرین هـدف ترجمـه، ص ۸۸) وی هـم چنـین میگوید: هر کس در زندگی دو روز دارد: روز زنده شدن و روز مرگ می گوید ولی تـو ای حسـین! تنها یک روز داشتی روز زنده شدن و حیات زیرا تو هرگز نمردی تو جان شرین خود را برسر عقیده پاک و هدف بزرگ و آرمان مقدس خویش از دست دادی به همین دلیل تا حق و حقیقت و اسلام در جهان زنده است تو هم زنده ای.(علی کاظمی، ص ٤٥٤)

۱۱. شیخ محمد عبده از دانشمندان اهل سـنت و از مصـلحان بـزرگ جهـان اسـلام مـی-نویسد: هنگامی که در دنیا حکومت عادلی وجود دارد و هدفش اقامه شرع و حدود الهی اسـت و در برابر آن حکومت ستمگر است که می خواهـد حکومـت عـدل را تعطیـل کنـد بـر هـر فـردی مسلمانی کمک کردن حکومت عدل واجب است و در همین باب، انقلاب امام حسین(ع) است که در برابر حکومت یزید که خدا او را خوار کند ایستاد.(محمد عبده المنار، ج۱، ص ۳٦۷)

۱۲. ابن عماد حنبلی که از بزرگان اهل سنت است حوادث کربلا و عاشوری را نقل می کند و سپس می-نویسد: قاتل الله فاعل ذالک و اخزاه و من امر به او رضیه...» خداوند به قتـل رسـاند کسی راکه امام (ع) را کشت و خاندان اهلبیت (ع) را به اسارت برد وراضی به ایـن عمـل اسـت.(ابن عباد حنبلی، ج۱، ص٦٦)

۱۳. آلوسی متوفی ، ۱۲۷۰ یکی از علمای اهل سنت است که نه تنها خصومت خاصـی بـا تشیع دارد بلکه گاه از وهابیت که نه شیعه است و نه سنی، بلکه یک تشکیلات بنیانگـذاری شـده توسط انگلس پلید برای نابودی اسلام اصیل است نیز دفاع کرده است ایشان در پاسخ عده ای کـه برای خلاصی از وجدان درد در طرفداری یزید مدعی شدند که او توبه کـرده اسـت مـی نویسـد: الظاهر انّه لم یتب و احتمال توبته اضعف من ایمانه و یلحق به ابن زیاد و ابن سعد و جماعة فلعنه الله عز وجل علیهم اجمعین و علی انصار هم و اعوانهم و شیعتهم و ... من مـال الـیهم الـی یـوم الدین ما دمعت عین علی ابی عبدالله الحسین(ع) ظاهر این است که یزیـد توبـه نکـرده اسـت و احتمال توبه او ضعیف تر از ایمانش است و این زیاد و ابن سعد ملحق به او هستند و تـا چشـمی برای امام حسین(ع) اشک می ریزد خداوند یزید و اتبـاع او را لعنـت کنـد. (آلوسـی، ج۱۳، ص ۲۲۸)

۱٤. ابن جوزی که از علمای معروف و مورد اعتماد اهل سنت است در پاسخ به اعتقـادات خطای برخی اهل سنت راجع بـه یزیـد (ماننـد ابـوبکر ابـن عربـی مـالکی) خلافـت غصـبی و

خلافتهایش می نویسد: از اعتقادا بعض عامه که خود را سنی میدانند این است که یزید کار درستی انجام داده است این ادعا بر اساس همان جوسازی زمان امام حسین(ع) که می گفتند: یزید خلیفه است و برهر مسلمانی واجب است با او بیعت کند و اگر بیعت نکنند از دین خارج شده است و خونش مباح این جوزی ادامه میدهد: آنها اگر به تاریخ نگاه میکردند می فهمیدند که اصلا یزید خلیفه نبوده و مردم مجبور به بیعت با او شدند و یزید از هیچ کاری قبیحی دوری نکرده است و بر فرض که عقد بیعت او صحیح هم باشد خلاف کاری های که از او سرزده موجب فسخ بیعت است و با وجود این، به حرف ابوبکر عربی مالکی کسی تمایل نخواهد کرد مگر انسان های جاهل .

۱۵. در متون روائی اهل سنت آمده است : امت اسلامی محبت با اهل بیت رسول خدا مورد آزمایش قرار دارد بنا بر نقل خالدبن عرفطه رسول خدا(ص) فرموده بودند: زود است که شما بعد از من درباره اهل بیت من مورد آزمایش قرار خواهید گرفت(اللمعجم الکبیر، ج٤، ص۱۹۲)

البته این امتحان تا پایان تاریخ همچنان ادامه دارد ؛ لذا همانگونه که در روز عاشورا بسیاری از مسلمانان در معرض امتحان و ازمایش قرار گرفتند و فقط تعداد معدودی از این امتحان پیروز و سربلند بیرون رفتند امروز نیز مسلمانان با موضع گیری در قبال واقعه غمناک و جانسوز همچنان در بوته آزمایش قرار دارند و هر کسی به دلیل محبتی که نسبت به امام حسین(ع) و خاندان رسول خدا دارد از ا« غمگین شود و کسانی را که باعث و بانی این حادثه المناک شده و ظلم های را بر این خاندان پاک روا داشتند از خود طرد کنند سر بلند خواهند بود اما آنهای که در قبال این واقعه دردناک بی تفاوت هستند و یا از یزید و یاران او حمایت می کنند قطعا در این امتحان که رسول خدا آن را برای محک زدن امت خود قرار داده است مردود و در روز جزا در برابر رسول خدا شرمسار و سر افکنده خواهند بود.

۱٦. استاد اسماعیل بن عبدالرحمن می گوید: حاکم و حافظ ابوعبدالله در مجلس استاد ابو منصور حمشاذی که در خانه اش بر قرار بود چند قطعه شعر را در رثای ابی عبدالله الحسین(ع) خواند: جاءو برأسک یابن بنت محمد، متزملا بدمائه تزمیلا و کانما بک یابن بنت محمد قتلوا جهارا عاقدین رسولا قتلوک عطشانا و لم یترقبوا فی قتلک تنزیلا و التاویلا و یکبرون بان قتلت و انما قتلوا بک التکبیر والتهلیلا .(حافظ جمال الدین المزنی، ج٦، ص ٤٤٨)

ای پسر دختر پیامبر(ص) سرتو را آوردند درحالکه سرخ فام و به خون بدنت آغشته بود ای

پسر دختر پیامبر(ص) تو ار کشتند گویا پیامبر خدا را آشکار و بی پروا کشتند، تو را به شهادت رساندند ، در حالکه لب تشنه بودی و رعایت نکردند در حق تو نه ظاهر قرآن را و نه باطن قرآن را از اینکه تو را کشتند شادمانی کردند و الله اکبر گفتند اما در حقیقت تو را نکشتند بلکه شعار اصلی دین را که الله اکبر و لااله الا الله است، را کشتند.

ب) عطار نیشابوری شاعر خوش نام پارسی در مصیبت نامه خود درباره امام حسین(ع) نیز چینن سوده است :

کیست حق را و پیغمبر را ولی ؟
آفتاب آسمان را معرفت
نه فلک را تا ابد مخدوم بود
قرة العین امام مجتبی(ع)
تشنه او را دشنه آغشته بخون
آن چنان سر، خود که برد بی دریغ؟
گیسوی او تا به خون آلوده شد
کی کنند این کافران با این همه
صد هزاران جان پاک انبیاء
در تموز کربلا تشنه جگر
با جگر گوشه پیغمبر این کنند
کاشکی، ای من سگ هندوی او
آن حسن سیرت، حسین بن علی
آن محمد صورت و حیدر صفت
زان که او سلطان و حیدر صفت
شاهد زهرا شهید کربلا
نیم کشته گشته به خون
کافتاب اودر آن شد زیر تیغ
خون گردون از شفق پابوده شد
کومحمد؟ کو علی؟ کو فاطمه؟
صف زده بینم به خاک کربلا

سر بریدندش چه باشد زین بتر؟
و انگهی دعوی داد دین کنند
کم ترین سگ بود می در کوی او
(اشک خون ، ص ۲۸)

بسیاری از شاعران اهل سنت در قالب شعر، قیام و نهضت حسینی را یک حرکت انسان ساز، برحق، و دفاع از عدالت میدانند که در این نوشته مجالی برای بازگوئی آنها نیست.

مطابق مستندات که ارائه شد قاطبه عظیمی از اهل سنت واقعی حادثه عاشورا را المناک و تعدی به خاندان پاک پیامبر(ص) میدانند و بگونه ها مختلف مراسم و عزاداری روز عاشوری را ارج می گذارند.

در افصا نقاط عالم، عامه اهل سنت که پیروی مذاهب اربعه اهل سنت هستند ظلم و ستم روز عاشورا بر خاندان نبوت را بر نمی تابند و بگونه های مختلف روز عاشورا را بعنوان روز ظلم و ستم بر خاندان نبوت سیاه پوش شده و بر مظلومیت جگر گوشه های پیامبر(ص) زانوی غم بغل می کنند گر چند اهل سنت مراسم محرم را مثل اهل تشیع با برنامه های متنوع خودش، بر پا نمی کنند اما با پخش نذر و نذورات غم شریکی خود را با پیامبر(ص) اعلام می کنند و گاها بر عوامل حادثه جانسوز عاشورا لعن و نفرین میفرستند

۱۷. اندیشمندان ادیب اهل سنت هم از قضیه عاشور عافل نمانده انده در فرصت های مناسب صدای مظلومیت امام حسین(ع) را در قالب شعر بگوش انسان های عالم رسانده اند که در اینجا به دو قطعه شعر نغز و از دو اندیشمندان و شاعر اهل سنت بسنده می کنم:

الف) علامه اقبال لاهوری از اندیشمندان اهل سنت در وصف امام حسین(ع) از حسین آموختیم سروده ای زیبائی دارد:

آن امام عاشقان پوبتول
الله، الله بای بسم الله ، پدر
چون خلافت ریشته از قرآن گسیخت
خون آن سر جلوه خیر الامم
بر زمین کربلا بارید و رفت
تا قیامت قطع استبداد کرد

بهر حق در خاک و خون علطیدیده است
مدعایش سلطنت بودی اگر
دشمنان چون ریگ صحراء لاتعد
سر ابراهیم و اسماعیل بود
عزم او چون کوهساران استوار
تیغ بهر عزت دین است و بس
خون او تفسیر این اسرار کرد
تیغ "لا" چون از میان بیرون کشید
نقش (الا الله) بر صحرا نوشت
رمز قرآن از حسین آموختیم
شوکت نام و فر بغداد رفت
تار ما از زخمه اش لرزان هنوز
ای صبا ای پیک دور افتادگان
سرو آزادی زبستان رسول
معنی ذبح عظیم، آمد پسر
حریت را زهر اندر کام رخت
چون سحاب قبله باران در قدم
لاله های در ویرانه کارید و رفت
موج خون او چمن ایجاد کرد
پس بنای لااله گردیده است
خود نکردی با چنین سامان سفر
دوستان او به سلطان هم عدد
یعنی آن اجمال را تفصیل کرد
پایدار و تند سیر و کامکار
مقصد او حفظ آئین است و بس
ملت خوابیده را بیدار کرد
از رگ ارباب باطل خون کشید

سطر عنوان نجات ما نوشت
زآتش او شعله ها افرو ختیم
سطوت غر ناطه هم از یاد رفت
تازه از تکبیر او ایمان هنوز
اشک ما برخاک پاک او رسان
(اقبال لاهوری، ص ۷٤-۷۵)

در مجموع کلیه پیروان مذاهب اربعه با پیروی از کلام بزرگان و منابع معتبر دینی شان از حادثه عاشورا سوگوارند و یزیدیان را نکوهش می کند که بدترین ظلم و جنایت را بر اهلبیت پیامبر(ص) انجام دادند که تاریخ از ثبت آن در خود شرم و عار دارند و حادثه عاشور را ننگین ترین جنایت در تاریخ بشریت میدانند چون در چنین روزی نامیمون سرهای فرزندان پیامبر(ص) بر سر نیزه ها کشیده، کودکان و زنان پیامبر(ص) به اسارت گرفته و در کوچه های کوفه و شام با دست های بسته در معرض تماشای نا محرمان قرار داده شده است.

چنین جنایت را نه تنها اهل سنت بعنوان امت پیامبر(ص) نمی پسندد بلکه حتی انسانهای با وجدان غیر مسلمان هم بر آن اشک می ریزند و عرق شرم بر پشانی شان جاری می شود و از عوامل آن به بدی یاد می کنند.

در پایان این نوشتار به حقیقت و ماهیت فرقه ضاله اشاره می کنم که عنوان اهل سنت را یدک می کشند اما رفتار یزید و یزیدیان در روز عاشورا می ستایند. این فرقه تحت عنوان مذهب و هابیت تکفیری در میان مسلمانان مشهور است. اهل سنت ازین فرقه بیزار اند و ازان ها دوری می گرینند.(اهل سنت حنبلی: (وهابیت)

این فرقه ضاله پیرو معاویه و فرزندش یزید است و بنوامیه را می ستایند اینها هستند که نسبت به اهلبیت و امام حسین(ع) دید مثبتی ندارند بلکه می توان گفت دشمن اهلبیت می باشند این ها امروز در قالب سلفیه و وهابیت در جهان اسلام معروف است این گروه گمراه و کافر، هماهنگ با سیاست بنی امیه بویژه یزید بن معاویه علیه اللعنه مراسم عزا و ماتم را در روز عاشوری حرام و بدعت میدانند بلکه از این حد فراتر رفته و این روز را مبارک شمرده و برای جشن و شادمانی و شیرینی خوری، خریدن لوازم جدید منزل و سرمه کشیدن و نظافت و امثال اینها مناسب میدانند و این فرهنگی است که حجاج بن یوسف ثقفی در زمان خلافت عبدالملک بن مروان برای شکنجه و عذاب شعیان پایه گذاری کرد.(الوردانی، ص ۳٤)

موضع و دیدگاه منفی و هابیها وسلفی های متجدد در باره حادثه عاشورا بر حمایت یزید بن معاویه و تبرئه او از این جنایت مبتنی است و برای اینکه حقایق و وقایع حادثه عاشورا بر ملا نشود و یزید و اطرافیان و پیروان او از طرف مسلمانان زیر سوال نرود از برگزاری عزاداری جلوگیری می کنند.

وهابی های بی دین از این هم تجاوز کرده و بر بدعت عزاداری در روز عاشورا بسنده نکرده است؛ بلکه روز عاشوری را روز عید و زینت و سرور و شادمانی میدانند و به قصد تبرک و کشتن امام حسین(ع) نورچشم رسول خدا و سید جوانان اهل بهشت، این روز را روزه میگرند.

روایت عمربن ابی یوسف می گوید : من شنیدم که معاویه روی منبر گفت روزعاشورا روز عید است هرکس دوست دارد روز بگیرد و هرکس نمی خواهد روزه نگیرد و حرجی بر او نیست (صنعانی-، ج٤، ح ۷۸۵۰، ص ۲۹)

مقریزی میگوید: در دوران حکومت فاطمیون در مصر، در روز عاشورا به خاطر شهادت حسین(ع) ماتم و سوگواری بر پا می شد ولی هنگام که بنی ایوب به حکومت رسیدند آنها در روز عاشورا و سرور و شادمانی بر پا نموده غذا پخش میگردند ، هم چنین به حمام رفته تنظیف نموده و به چشم سرمه می کشیدند آنها این در پیروی از روش و عادات اهل شام که حجاج بن یوسف ثقفی در زمان عبدالملک بن مروان در مخالفت با شیعیان علی بن ابی طالب(ع) که روز عاشورا را روز اندو و ماتم میدانند پیریزی کرده بود انجام میدادند.(طبسی، ص ۱۳۷)

سقاف میگوید: این اخبار زیاد و کثیر العدد را برای دفن قضیه کربلا آوردند لکن قضیه کربلا به عظمت خود باقی ماند و آنها بیچاره و فشل شدند.(طبسی، ص ۱۳۹)

بنا براین این فرقه ضاله جزء فرقه های اهل سنت به حساب نمی آید بلکه یک گروه جدای از فرق مسلمانان است و مخاطب آنها با قیام حسینی و نهضت عاشورا ربط به فرقه های اهل سنت ندارد.

این گروه در واقع تمام برنامه اش در راستای نابودی اسلام و ایجاد تفرقه بین مسلمانان است البته بودجه این خیانت هم از طرف سازمان جاسوزی انگلستان تامین می شود.

نتیجه :

با توجه و دقت در منابع معتبر اهل سنت، روشن و هویدا شد که تمامی فرق اهل سنت (البته فرق اربعه معروف) نسبت به قضیه عاشورا نظر مثبت دارند ودر برپایی مراسم و عزاداری برای اهلبیت پیامبر(ص) کوتاهی نمی کنند، اندشمندان اهل سنت همگی بر صحت قیام حسینی تاکید دارند و در جاهای متعدد بر لعن و نفرین یزید زبان گشوده اند و از مذمت یزید و یزیدیان ابائی نداشته اند به همین جهت عامه و عوام اهل سنت به تبع اندیشمندان شان در عزاداری برای امام حسین (ع) سعی و تلاش خالصانه انجام دادند چون امام حسین(ع) را سرور جوانان اهل بهشت می پندارند و بی حرمتی به آن امام همام را بر نمی تابند.

بنا بر این اهل سنت به هیچ عنوان در جریان عاشورا، جانب یزید ملعون را نگرفته اند و نخواهند گرفت.

کتابنامه

ابن تیمیه، مجمع فتاوی، ناشر: دار الوفاء، ۲۰۰٦م.

ابن حبان، صحیح ابن حبان ، ناشر: مؤسسه الرساله، بیروت لبنان، چ۲، ١٤١٤ق.

ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه گنابادی، انتشارات علمی، فرهنگی تهران، ص ۱۳۷۵.

ابن کثیر الحافظ، البدایه و النهایه، داراحیاء التراث العربی، بیروت لبنان، ص ١٤٠٨ق.

احمد بن حنبل، المسند، دارالفکر بیروت، ١٤١١ق.

اشعری، ابوالحسن، مقالات اسلامیین ...، انتشارات امبر کبیر، ١٢٦٢.

آلوسی، محمد بن عبدالله، روح المعانی، انتشارات دارالکتب العلمیه، بیروت لبینان، ١٤١٥ق.

بلاذری، احمد بن یحی، الانصاب الاشراف، دارالفکر بیروت، ١٤١٧.

ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، دارالحدیث القاهره، ١٤١٩ق.

تفتازانی، سعد، شرح مقاصد فی علم الکلام ، دارالنعمانیه، پاکستان، ١٤٠١ق.

رازی، فخر الدین، التفسیر الکبیر، دارالاحیاء التراث العربی، ١٤٢٠.

رسول محلاتی، زندگانی امام حسین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.

زمخشری ابوالقاسم، تفسر کشاف، ناشر: موسسه الرساله بیروت ١٤١٤ق.

زمخشری، ابوالقاسم، ربیع الابرار و نصوص الاخبار، ناشر: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ١٤١٢.

شوشتری، سید نورالله، الحقاق الحق، ناشر: کتابخانه عمومی ایت... مرعشی نجفی، ١٤٠٩ق.

صفائی عبد الرزاق، مصنف عند الرزاق صنعانی، ناشر دارالاتأصیل، ١٤٣٦.

طبرانی، احمد، المعجم الکبیر، انتشارات احیاء التراث العربی، ١٤٠٣.

طبرانی،احمد، المعجم الکبیر، ناشر: مکبة الزهرا الموصل، ١٤٠٤ق.

طبری، محمد بن جزید، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالفکر لبینان، ١٤٠٥ق.

طبسی، نجم الدین، صوم یوم عاشورا، ناشر دارالولاء بیروت، ١٤٢٣.

علائی، عبدالله، برترین هدف در برترین نهاد، ناشر اطلاعات، ۱۳۹۵ش.

لاهوری، اقبال، کلیات اشعار ، انتشارات سنائی، ۱۳۸۱،

محمد بن ماجه، سنن ابن ماجه، ناشر الجمیل، بیروت لبینان، ١٤١٨.

محمد عبده، تفسیر المنار، ناشر: رواناکی، ۱۳۹۸.

محمدبن عماد، شذرات الذهب، انتشارات دارابن کثیر، ١٤٠٦.
المزی، جمال الدین، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ناشر موسسة الرساله بیروت، ١٤٠٠ق.
نسائی، احمد بن شعیب ، سنن نسائی، دارالاسلام للنشر و التوزیع ، بی تا.
نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، دارالمعرفة البروت، ١٤١٨ق.
نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، دارالحدیث ١٤١٢ق.
الوردانی، الشیعه فی المصر من الامام علی، مطبعه مدبولی صفیر، ١٤١٤ق.
هیثمی، ابن حجر، الصواعق المحرقه، مکتبة القاهره، انتشارات ١٨٧٥م.
الهیثمی، الحافظ الدین، مجمع الزواید و منبع الفوائد، ناشر: مکتبة القدسی، القاهر، ١٤١٤ق.